



تقلای ناسیونالیستها برای تضمین کمترین تغییر

نگاهی به بیانیه
"سازمانهای سکولار دموکرات ایران"

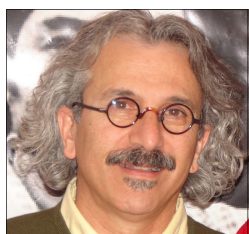
کاظم نیکخواه

اینست که تنها چیزی که در بیانیه اینها دیده نمیشود نشانی از سکولاریسم است. نه از جدایی دین از دولت خبری هست، نه از جدایی دین از آموزش و پرورش نه آزادی مذهب و بی مذهبی نه مخالفت با مذهب رسمی و نه دور ریختن قوانین و سنتهای

صفحه ۳

"جنبش سکولار دموکراسی"، "اتحاد اقوام و عشایر ایران" و چند جریان دیگر بچشم میخورند. محورهای کلیدی بیانیه اینها "انحلال جمهوری اسلامی"، "تمامیت ارضی"، "حفظ سیستم اداری و نظامی و مالی موجود" و انجام انتخابات آزاد برای تعیین نمایندگان اداری و مسئولین سه قوه است. و جالب

طیفی از گروههای ناسیونالیست ایرانی بعد از گویا يك سال بحث و بررسی و دور شدن آنها و نزدیک شدن آنها، اخیرا تشکیل سازمانی بنام "مجمع سازمانهای سکولار دموکرات ایران" را طی بیانیه ای اعلام کردند. در میان جریاناتی که این سند را امضا کرده اند نامهایی از قبیل "حزب پان ایرانیست"، "جبهه ملی ایران"،



آینده عراق؟ پیامدهای عروج هیولای اسلامی داعش

علی جوادی

از عناصر باقیمانده از ارتش صدام و جریان بحث است، تماما بند نافش به نیروهای امنیتی و نظامی عربستان سعودی و قطر متصل و گره خورده است. این جریانات شاهرگ حیات اوباش اجیر شده داعش را در دست دارند. هدفشان کسب قدرت سیاسی است و باز تعریف اسلامیستی و ارتجاعی عراق و

صفحه ۵

خود داعش شروع کرد. بر خلاف برخی تصورات رایج داعش يك جنبش اجتماعی اما تماما ارتجاعی، نیست. بروز اعتراض خشن و وحشیانه ناراضیاتی هیچ بخشی از جامعه نیست. برعکس، داعش يك دار و دسته اجیر شده، سوپر ارتجاعی، دست ساز و تا مغز استخوان مزدور است. بی ریشه و بی پایه و تماما تروریستی است. این جریان که انشعابی از القاعده و ترکیبی

عروج هیولای اسلامی داعش در زمانی کوتاه و با کسب فتوحات نظامی گسترده عملا نقشی مانند يك زلزله و تکان سیاسی در صحنه سیاسی عراق داشته است. بنظر میرسد که تمام معادلات کنونی تغییر کرده اند. گویی باید موقعیت نیروهای سیاسی و اجتماعی و مناسبات این نیروها را در پس این متغییر جدید بازتعریف کرد تا به سرنخی برای آینده عراق رسید. باید از



با زور و زندان و شلاق کسی را نمیتوان بچه دار کرد!

شهلا دانشفر

صفحه ۷

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۳

جمعه ۶ تیر ۱۳۹۳، ۲۷ ژوئن ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

نماینده مردم عراق چه کسی است؟

اعلام برگزاری تجمع خودجوش!

شادی مردم و جهنم حکومت!

"حجاب و عفاف"، جدالی بر سر بودن و نبودن!

صفحه ۶

کارگران سنگ معدن بافق با یک الیما توم دوماهه به اعتصاب پایان دادند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

کلید نجات ریحانه

در دستهای شما مردم است!

اطلاعیه مطبوعاتی کمپین نجات ریحانه جباری
در مورد تغییرات جدید در پرونده ریحانه جباری

صفحه ۱۰

اعتصاب کارگران در

مجتمع پتروشیمی تبریز برای
افزایش دستمزد

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

کارگران سنگ معدن بافق با یک التیماتوم دوماهه به اعتصاب پایان دادند

بدهند. انتخاب يك نماینده کافی نیست. اینرا به تجربه دریافته اید. پیشروی شما و تحقق مطالبات شما در گرو آمادگی شما، اتحاد شما و ادامه مبارزه شما است. اکثر قریب به اتفاق مردم شهر در کنار شما هستند. این نیرو را هیچکس نمیتواند شکست بدهد. مردم شهر را به اجتماعات خود دعوت کنید و وضعیت را به آنها نیز گزارش بدهید. مردم شهر و رسانه هایی که صدای شما را منعکس میکنند را مطلع کنید و اجازه ندهید گزارشات دروغ از رسانه های حکومتی منتشر شود.

حزب کمونیست کارگری از مبارزه شما و خواست های بحق تان قاطعانه حمایت میکند و کلیه مراکز کارگری و مردم شریف بافق و یزد را فرامیخواند قاطعانه از شما حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۹۳، ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴

کارگران "دنبال چیزهای دیگر هستند" و به این ترتیب قصد تهدید و تفرقه اندازی در میان کارگران داشت. این تشبثات را کارگران با نیروی متحد خود خنثی کردند. اکنون نیز اینطور که بسیاری از کارگران و مردم بافق میگویند، کارگران اعتمادی به قول و قرارهای مقامات ندارند به همین دلیل دو ماه به دولت مهلت داده اند. ربیعی وزیر کار قرار بود در اجتماع کارگران ظاهر شود اما دو بار سفرش را ملغی کرد و حضور در میان کارگران را به پایان دادن به اعتصاب مشروط کرد. کارگران به درخواست ربیعی نیز پاسخی ندادند و به اعتصاب ادامه دادند تا بالاخره دولت را وادار به يك عقب نشینی موقت کردند.

کارگران معدن سنگ آهن بافق، زحمتکشان بافق:

دولت در صدد وقت کشی و ایجاد تفرقه در میان شما است. از امام جمعه تا فرماندار و استاندار و نماینده مجلس رژیم و سایر مقامات همه علیه شما هستند. به هیچکدامشان اعتماد نکنید. اتحاد خود را حفظ کنید و با تشکیل مجمع عمومی تعداد زیادی نماینده برای پیگیری کلیه خواست های خود انتخاب کنید و از نمایندگان بخواهید که بطور مرتب نتیجه اقدامات خود را به مجمع عمومی شما گزارش

پنجهزار کارگر سنگ معدن بافق در استان یزد پس از ۳۹ روز اعتصاب امروز به سر کار بازگشتند. يك خواست مهم کارگران پس گرفتن تصمیم دولت برای فروش سهام این معدن بود. کارگران حرفشان این بود که خصوصی سازی شرکت به معنی تعدیل نیروی کار و از دست دادن شغل خیلی از کارگران است. روز چهارشنبه چهارم تیرماه استاندار یزد در جمع کارگران حاضر شد و اعلام کرد که دولت موقتاً فروش سهام را متوقف کرده و تصمیم نهائی را به او محول کرده است. کارگران امروز به سر کار بازگشتند اما اعلام کردند که در صورتی که تا دو ماه دیگر فروش سهام کاملاً منتفی نشود اعتراض را از سر خواهند گرفت. مقامات اعلام کرده اند که کمیته ای نیز برای پیگیری سایر خواست های کارگران توسط مقامات مختلف حکومت و یکی از نمایندگان کارگران تشکیل شده است.

در طول این مدت بارها مقامات مختلف از استاندار تا امام جمعه و اعضای شورای شهر و نماینده مجلس رژیم در بافق و فرماندار و تعدادی دیگر از مقامات ضمن چاپلوسی از کارگران، تلاش کردند که کارگران را تشویق به بازگشت به کار کنند اما کارگران زیر بار نرفتند. فرماندار یزد هفته قبل گفته بود که بخشی از کارگران میخوانند به اعتصاب پایان دهند اما تعدادی از



تقلای ناسیونالیستها برای تضمین کمترین تغییر

اسلامی و مذهبی از جامعه و ممنوعیت دخالت مذهب در زندگی خصوصی مردم، نه اشاره ای به مساله مهم تبعیض و تحقیر زنان و نه نکته دیگری در این زمینه. اگر کسی با دقت محورهای بیانیه اعلام موجودیت این جماعت را بخواند و آنرا بر متن اوضاع سیاسی ایران قرار دهد، بلافاصله متوجه میشود که این بیانیه در اساس خود موضع و سیاست فرقه های رنگارنگ بورژوا- ناسیونالیست است که از فضای سیاسی جامعه و بحران و بن بست عمیق حکومت اسلامی و چشم انداز سرنگونی این حکومت به قدرت انقلاب مردم به وحشت افتاده اند و در تقلا هستند اختلافات و رقابتهای دیرینه خود را با تاکید بر مقدسات ملی و قومی خود تصفیه کنند و با این نوع گردهمایی ها و سازمان و مجمع درست کردن ها، نظم موجود را با کمترین جرح و تعدیل نگه دارند. آرزو بر هیچ کس عیب نیست!

۱- انحلال جمهوری اسلامی و نه سرنگونی

يك واژه کلیدی این طیف از جریانات، واژه مضحك "انحلال جمهوری اسلامی" است. عبارت بی ربط و من در آوردی "انحلال جمهوری اسلامی" خواص زیادی برای این جماعات دارد. کسی که با دقت این بیانیه را بخواند و معنای عملی محورهای مطرح شده در آنرا مورد توجه قرار دهد متوجه میشود که انحلال حکومت اسلامی یعنی سیستم موجود منهای بیت رهبری و آیت الله ها. جمهوری اسلامی با بحران جدی سیاسی و اقتصادی روبروست، مردم ایران سر سازش با این حکومت ندارند و روشن است که آینده ایران باید بدون این حکومت رقم بخورد. در عین حال آلترناتیوهای کذایی "اصلاحات" و "انتخابات آزاد" و "استحاله و امثال اینها شکست خورده و

رسوا شده است. از سوی دیگر پروژه های رژیم چنچی هم دیگر مدتهاست که با کنار رفتن صاحبان اصلیش، به باد فنا رفته است و کسی جرات ندارد علنا از اینها طرفداری کند و خود را ابوزیسیون ضد حکومت بخواند. همه اینها بدان معناست که بحرانی کل نظام سرمایه در ایران را در بر گرفته و نمایندگان طبقه سرمایه دار پاسخ قابل قبول و معتبری برای اوضاع ایران ندارند. روند اوضاع در یکی دو دهه اخیر و بویژه خیزش میلیونی سال ۸۸ بسرعت بر همه اینها خط بطلان کشید. مدتهاست که آلترناتیو انقلاب توده ای به گفتمان غالب در ایران تبدیل شده و به وسط صحنه آمده است و گرچه خیزش ۸۸ به دلایل متعدد از جمله فقدان رهبری رادیکال و مردمی متوقف گردید و به اهداف نرسید، اما با صدای رسا به همگان اعلام کرد که جامعه ایران به آلترناتیو انقلابی روی آورده است. انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز که بدرجه ای متأثر از ۸۸ ایران بود بر ذهنیت مردم بعد از سال ۸۸ تأثیرات مثبت خود را باقی گذاشته است. در نتیجه نیروهای بورژوازی شاهد این هستند که این بسیار محتمل است که در هر زمانی يك فوران دیگر مردمی کل ماشین حاکم و سیستم اقتصادی و سیاسی حاکم را در هم پیچید. "انحلال جمهوری اسلامی" بیش از هر چیز عکس العملی در برابر این اوضاع است. يك فاصله گذاری ظاهری با آلترناتیوهای شکست خورده دو خردادی و رژیم چنچی، و يك فاصله گیری واقعی از آلترناتیو انقلابی و با هدف خنثی کردن و مخدوش کردن فضای سرنگونی طلبی در جامعه.

این جماعت میخواهند در اولین قدم عبارت "سرنگونی جمهوری اسلامی" را که خواست

حرکتهای توده ای و انقلاب هم میتواند یکی از این "همه گونه اقدام و مبارزه" مورد نظر این جماعت باشد. اما "بیانیه" مثل روز روشن داد میزند که انقلاب و سرنگونی انقلابی مطلقا جایی در سناریوهای طیف ناسیونالیست و به اصطلاح "سکولار دموکرات" ندارد. انحلال جمهوری اسلامی را اگر کنار سایر بندهای این بیانیه قرار دهید روشن تر میشود که این جماعت چه اهدافی را دنبال میکنند. يك بند بیانیه اینست، دقت کنید! **ث: حصول اطمینان از حفظ دستگاه آذاری، مالی و نظامی متعلق به ملت ایران** "این بند افشاگر کل اهداف این جماعت است. اینها میخواهند "سیستم اداری و نظامی و مالی حکومت" یعنی در واقع کل سیستم حکومتی را به بهانه اینکه "متعلق به ملت ایران" است کاملاً حفظ کنند. این جوهر سیاست "انحلال جمهوری اسلامی" است. ارتش و سپاه پاسدار و بسیج زندانها یعنی کل نیروهای سرکوبگر حفظ میشوند، بوروکراسی اداری و سیستم اداری نگه داشته میشود و همینطور سیستم مالی و بانکی و غیره. همین بند به تنهایی کافی است تا روشن شود که قرار است چه چیزی از جمهوری اسلامی کم شود تا این حکومت "انحلال" شود. دستکاری هایی در قوانین و ظاهر حکومت صورت میگیرد اما ارکان و پایه های جمهوری اسلامی که سیستم اداری و نظامی و مالی آنست نگه داشته میشود. این یعنی انحلال!

بی دلیل نیست که اینها در کل این بیانیه حتی يك جا کلمه مشخص "مردم" و شهروندان را بکار نمیبرند. همه جا بروال همه ناسیونالیستها و دولتهای سرکوبگر عبارت "ملت" را به کار میبرند که يك عبارت مبهم است که همیشه توسط دولتها بکار برده میشود تا قابل تفسیر برای هر سیاستی علیه مردم و شهروندان جامعه باشد.

۳- تمامیت ارضی

بند دوم بیانیه "سازمانهای سکولار دموکرات اینست "ت:

حصول اطمینان از حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ملت ایران". این عبارت ظاهراً بی ابهام ترین بند بیانیه است. "تمامیت ارضی" و "حفظ یکپارچگی ملت ایران". "تمامیت ارضی و حفظ یکپارچگی ملت ایران" برای ناسیونالیستهای ایرانی يك اصل مقدس است و دفاع از آن بسیار بدیهی است. تمامیت ارضی یکی از شعارهای کلیدی و شاخص و مشترک همه دولتهای ملی و جریانات ناسیونالیست و طرفدار سلطنت و لیبرال و کلا راست است. این فصل مشترک این جریانات با خود جمهوری اسلامی و جناحهای آن هم هست. تمامیت ارضی نقطه اشتراك ناسیونالیستهای طرفدار سلطنت، جمهوریخواه، لیبرال، مذهبی و فاشیست و بقیه انواع رنگارنگ جریاناتی است که در طیف راست قرار میگیرند. بعلاوه در تفکر و ایدئولوژی الیت روشنفکری و کلا چپهای سنتی و آلوده به ناسیونالیسم و مذهب نیز تمامیت ارضی در کنار "وطن" و "میهن" و "خاک"، جای برجسته و مهمی دارد. تمامیت ارضی در فرهنگ این طیف از نیروها بدرجه زیادی مقدس و غیر قابل تخطی و غیر قابل بحث است. کسی که تمامیت ارضی را قبول نداشته باشد "تجزیه طلب" است. و همه بلااستثنا گویا یا این هستند یا آن.

اولین سوالی که مطرح میشود اینست که حکمت و جایگاه "تمامیت ارضی" چیست؟ چرا این شعار مطرح شده است؟ به چه چیزی میخواهد پاسخ دهد؟

تمامیت ارضی در ظاهر معنایش دفاع از مرزهای يك کشور در برابر تعرضات دشمنان خارجی است. اما با کمی دقت متوجه میشویم که "تمامیت ارضی" اساساً کاربرد داخلی دارد. این فرمول را همیشه دولتها و جریانات ناسیونالیست بعنوان آلترناتیو "تجزیه طلبی" بکار میبرند. و منظورشان اینست که اجازه نمیدهیم هیچ بخشی از مردم داخل کشور اعلام

نقلای ناسیونالیستها برای تضمین کمترین تغییر

جدایی کنند. اما نکته اصلی حتی اعلام جدایی نیست. یعنی اینگونه نیست که فقط وقتی که بخشی از مردم به فرض اعلام کنند که میخواهند از کشوری جدا شوند بحث دفاع از تمامیت ارضی توسط ناسیونالیستها داغ میشود. بلکه کافی است که صدایی از مردم کردستان یا بلوچستان یا آذربایجان در اعتراض به ستم و تبعیضات ملی و قومی بلند شود تا با پرچم دفاع از تمامیت ارضی مورد حمله قرار گیرد. سنتا در فرهنگ ناسیونالیستها مردم منتسب به اقلیتهای ملی، هر اعتراضشان به تبعیض و تحقیر و بی حقوقی، تجزیه طلبانه است و باید با سلاح تمامیت ارضی به جنگ آنها رفت. کلا "تمامیت ارضی" سپر دفاعی ناسیونالیستها و دولتهای ملی در برابر حق خواهی بخشهای تحت ستم مردم در دوره حکومت پهلوی مردم کردستان و آذربایجان و بلوچستان با همین پرچم مورد حمله قرار میگرفتند، و در دوره جمهوری اسلامی نیز با همین شعار تمامیت ارضی، کردستان مورد حمله خونین ارتش و پاسداران قرار گرفت و ترکمن صحرا و بخشهای دیگر مردم نیز مورد تهاجمی خونین قرار گرفتند. در يك كلام تمامیت ارضی چماقی است برای مقابله با هرگونه صدای حق خواهی و برابری طلبی توسط مردمی که به اقوام و ملیتهای دیگری خود را منتسب میکنند. جنایات بسیاری علیه اقلیتهای منتسب به ملیتهای مختلف با پرچم "تمامیت ارضی" و علیه "تجزیه طلبی" صورت گرفته است.

حقیقت اینست که گرایش به جدایی و استقلال از همین نوع تعرضات و سرکوبها و ستم ملی علیه اقلیتهای قومی و ملی مایه میگردد. با استفاده از همین فشارها و تبعیض ها و مقدس

اعلام کردن "تمامیت ارضی و تمامیت ملت" توسط دولت ها و ناسیونالیستهای حاکم، ناسیونالیستهای فعال در میان مردم تحت ستم نیز از آن سو سر بلند میکنند و ناسیونالیسم قوم و ملت تحت ستم را باد میزنند و باج خواهی میکنند. و بسته به شرایط پرچم تجزیه و استقلال را هم ممکن است بلند کنند. اگر مردمی در يك چارچوبه کشوری مدام خود را زیر فشار و تحقیر و تبعیض ببینند، طبعا گرایش ندارند که در آن چارچوب و با آن شرایط تحمیل شده باقی بمانند. و همین زمینه ای است برای ناسیونالیسم قومی که دفاع از هویت قومی و ملی خودی را محور خلاص شدن مردم از ستم و تبعیض و سرکوب قلمداد میکند.

جالب اینست که در میان گروههای امضا کننده این بیانیه به اسامی ای از قبیل "اتحاد عشایر و اقوام جنوب ایران"، "جبهه مردم بلوچستان"، "سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن" نیز برمیخوریم. و معلوم است که اینها به پان ایرانیستها و جبهه ملی و طیف ناسیونالیستهای ایرانی نان قرض داده اند و از کیسه خلیفه یعنی از حقوق مردم ساکن مناطق فعالیت خود حاتم بخشی کرده اند و اطمینان داده اند که در این مناطق حرکتی حق طلبانه از جانب مردم که به مذاق ناسیونالیستهای پان ایرانیست و جبهه ملی و غیره خوش نیاید انجام نخواهد گرفت! و در برابر چه گرفته اند؟

۴- وعده استان بندی!

بند مربوط به استان بندی کشور نیز از همان مبهم گویی هایی است که به وفور در بیانیه کذابی یافت میشود. در این بند چنین گفته شده است: "خ: پیش بینی استقرار حکومتی نامتمرکز در این قانون اساسی، در راستای استان بندی کشور بر اساس

موازین بین المللی، و تفکیک وظایف استان ها و حکومت مرکزی برای برسمیت شناختن حقوق زبانی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی مردمان ایران"

جالب نیست؟ اینها "پیش بینی" میکنند که در قانون اساسی بعدی، کشور "استان بندی شود" (چه دست و دل بازی ای!) و حکومت از این طریق "نامتمرکز" گردد و در راستای این سیاست (روشن!) حقوق زبانی و مذهبی و فرهنگی و سیاسی مردم برسمیت شناخته شود. اولاً پیش بینی برای کسی نان و آب نمیشود. ثانیاً استان بندی کشور به معنای حکومت نامتمرکز نیست. ثالثاً با استان بندی حقوق سیاسی مردم تضمین نمیشود. و رابعاً اصلاً حقوق زبانی و فرهنگی و مذهبی و سیاسی مردم بطور مشخص یعنی چه؟

يك مشت حرف توخالی. تقسیمات کشوری برای بهتر سازمان دادن خدمات اجتماعی و غیره امری بدیهی است. اما این بند در واقع معجون و مخلوطی است که میخواهد با مبهم گویی فدرالیستهای موجود در میان این جماعت مثل قوم گرایان و جماعت "سکولار - دموکراتها" را با ناسیونالیستهای مخالف فدرالیسم مثل جبهه ملی و پان ایرانیستها فعلاً به زور به هم وصل نگه دارد. اما در آینده اگر امکانش را یافتند دار و دسته های مسلح و تفنگچی های آنها را به جان یکدیگر و مهمتر از همه بجان مردم بیندازند.

بگذارید این را بطور کلی اشاره کنم که معمولاً فدرالیستها برای دفاع از فدرالیسم و تکه تکه کردن يك کشور، به فواید "حکومت نامتمرکز" پناه میبرند. گویا فدرالیسم باعث میشود که قدرت از تمرکز در يك جا خارج شود و به مناطق مختلفی تقسیم شود و این باعث میشود که

دیکتاتوری نتواند مستقر شود. این يك فریبکاری محض است. مردم يك کشور و یا منطقه از اینکه حاکمینشان در پایتخت متمرکز باشند یا در مرکز استان، بخودی خود هیچ حقی نصیبشان نمیشود. حقوق سیاسی مردم یعنی آزادی بیان، آزادی تجمع و تشکل و تحزب و اجتماع و اعتصاب و امثال اینها. حاکمیت فدرالی و خودمختاری استانی بخودی خود هیچ چیز در این مورد نمیکوید. بلکه تقسیم قدرت و اختیار میان حاکمین است. تجربیات تاریخی و تجربیات اخیر در کشورهای مختلف نشان میدهد که دیکتاتورها میتوانند حاکمین کشوری یا حاکمین استانی باشند. این به حقوق مردم کاملاً بی ربط است. فدرالیسم نسخه برپا کردن جنگ و تفرقه میان مردم بر اساس قومیت و ملیت و نژاد و یا استان و زادگاه است.

تا آنجا که به این بیانیه مربوط میشود ما جز مبهم گویی چیزی را شاهد نیستیم. این بیانیه دارد این را بیان میکند که ناسیونالیستهای تشکیل دهنده "مجمع سکولارهای دموکرات" نتوانسته اند اختلافاتشان را در مورد موضوعات ملی حل کنند و فقط مبهم گویی کرده اند تا کسی رنجیده نشود و آینده را زورآزمایی های آینده و توازن قوای حاصل از آن تعیین نماید. اما وقتی پای جمهوری اسلامی و ارتش و سیستم اداری و اینها مربوط میشود همه آشکارا متفق القولند که با انقلاب و دخالت مردم مخالفند، با سرنگونی مخالفند، نیروهای سرکوب و سیستم اداری و مالی را میخواهند حفظ کنند و از سکولاریسم نیز جز اسم آن هیچ چیز ندارند که عرضه کنند. همانگونه که در ابتدا اشاره کردم يك کلمه از جدایی دین از دولت و دین از آموزش و پرورش و لغو اعدام و ممنوعیت تبعیض علیه زنان و آزادی مذهب و بی مذهبی چیزی نمیکویند.

۵- چاشنی معجزه آسای حقوق بشر

در آخر باید این را هم اشاره

کرد که حتما مدافعان این بیانیه و این جمع در پاسخ به انتقادات ما، به حقوق بشر متوسل میشوند و خواهند گفت که بیانیه کذابی شان گفته است که در آینده قانون اساسی ای مبتنی بر "حقوق بشر" تصویب شود

در این رابطه سخن زیاد است. "بیانیه حقوق بشر" از لغو اعدام و جدایی دین از دولت و آموزش پرورش و ریشه کن کردن فقر و بیکاری بهره کشی و برخی دیگر از حقوق اساسی مردم چیزی نگفته است. و اینها مبرم ترین مسائل مردم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. قسم خوردن به حقوق بشر برای راستها و ناسیونالیستها و جریانات بورژوازی به صورت يك دعای "دفع شر" مورد استفاده قرار میگیرد. وقتی اینها زیر فشار حق طلبی و آزادیخواهی کارگران و مردم تحت ستم قرار میگیرند يك سوگند حقوق بشری میخورند و خیال خود را راحت میکنند. میدانند که رسانه های

بستر رسمی نظیر بی بی سی و امثالهم هم پشتشان را خواهند گرفت و اوضاع رو برآه میشود. و دیگر لازم نیست که بطور مشخص از آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اعتصاب و حقوق زنان و کودکان و تاسمینات اجتماعی و اینها حرف بزنند. لازم نیست آزادی زندانی سیاسی و از بین رفتن تبعیض و جداسازی زن و مرد و دیگر حقوق پایه ای کارگران و مردم را به رسمیت بشناسند. این شده است راه فراری برای جریاناتی که عملاً در جبهه مبارزه برای آزادیهای سیاسی و حضوری ندارند. انگیزه ای هم برای مبارزه برای رفاه شهروندان و حقوق کارگران و معلمان و زنان ندارند و خلیهانشان سابقه جالبی هم در ایران ندارند.

تجربه همین امروز عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر که حکومتهای "حقوق بشری" کرزای و مالکی و امثالهم را به سر کار کشیده است دارد نشان میدهد که پرچم حقوق بشر به کدام جبهه تعلق دارد. بحث بر

آینده عراق؟ پیامدهای عروج هیولای اسلامی داعش

سوریه است. ترور و آدمکشی و نسل کشی روش سیاسی و تاکتیک رسیدن به این اهداف است.

اما عروج و موقعیت کنونی داعش تماما حاصل اراده این نیروها نبوده است. داعش رعدی در آسمان بی ابر نبود. شرایطی که باعث شکل گیری و قدرت گیری برق آسای این هیولای اسلامی شده است کلا محصول جنگ و کشمکش خونینی است که در دو دهه گذشته در عراق در جریان است. عراق در فردای حمله جنایتکارانه آمریکا به عراق، دمکراتیزه نشد، بازسازی نشد، برعکس شیرازه اش در هم شکست و به مکه و مدینه فاضله جریانات تروریستی اسلامی و انواع جریانات قوم پرست تبدیل شد. داعش تنها در چنین فضا و لجنزاری می‌توانست عروج کند. شرایطی که حمله میلیتاریستی و قلدرمنشانه آمریکا با کشتار بیش از یک میلیون نفر و در هم شکستن شیرازه جامعه عراق بجا گذاشته بود، گوشه ای از سیاست شکست خورده نظم نوین آمریکا و "خاورمیانه جدید". شرایطی که انواع جریانات اسلامیستی چه از نوع پرو سعودی و القاعده ای آن و یا جریانات قوم پرست کرد و انواع خانجانی قبیله ای در عراق بوجود آوردند. جایی که هر نوع آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی را شکنجه و زندانی و محکوم کردند. شرایطی که آمریکا و متحدین اش از یکسو و رژیم اسلامی و نیروهایش از سوی دیگر و همچنین جریانات بعثی و القاعده ای و پرو سعودی بازیگران اصلی اش بودند. داعش در عراق در چنین متنی شکل گرفت. جایی که هویت‌های کثیف قومی و قبیله ای و مذهبی عملا انسانیت و انسانگرایی و آزادیخواهی را به کناری زده

است. داعش محصول عملکرد این نیروها و در این شرایط داده شده است. می‌گویند آنها که باد می‌کارند طوفان درو خواهند کرد. در همین چهارچوب باید گفت آنها نفرت قومی و مذهبی و قبیله ای می‌کارند جنایت و قتل عام و نسل کشی درو خواهند کرد.

یکی از پیامدهای سیاسی داعش در هم شکسته شدن وضعیت و توازن قوای فعلی موجود میان نیروهای حاکم در عراق است. عراق دیگر در چهارچوب فعلی قابل دوام نیست. وضعیت کنونی عراق بنا به تمامی شواهد موجود، عروج به یکباره هیولای اسلامی داعش، جنگ و جدال همیشگی جریانات قوم پرست و اسلامیستی و همچنین تلاشهای ارتجاعی دول منطقه که ابعاد گسترده ای بخود گرفته است، بهیچوجه قابل دوام نیست. در یک کلام حفظ وضع موجود، ادامه حاکمیت مالکی و "یکپارچگی" عراق، دارای کمترین احتمال در تغییر و تحولاتی است که عراق اکنون از سر می‌گذارند. عراق در حال تجزیه و تقسیم جغرافیایی است.*

از طرف دیگر راه حل آمریکا و غرب مبتنی بر شکل دادن به "ائتلافی از نیروهای شیعه و سنی و کرد" از هم اکنون مهر شکست بر آن نقش بسته است. چرا که نیروهای شکل دهنده این "ائتلاف نامقدس" هیچکدام دیگر تمایل محسوسی به ادامه این راه حل ندارند. حکومت مالکی و متحدش، رژیم اسلامی ایران، که بر فرض هم توانسته باشند جریان داعش را شکست دهند بهیچوجه وارد پروسه امتیاز دادن به جریانات اسلامیستی از نوع داعش و نیروهای پرو سعودی نخواهند شد، حتی اگر اکنون به چنین طرحی گردن گذارند.

حکومت قومپرست اقلیم کردستان نیز از هم اکنون مخالفت خود را با چنین طرحی اعلام کرده است. از طرف دیگر جریان داعش و جریانات بعثی و پروسعودی در صورت پیشروی تمایلی به سازش با مالکی و یا جانشین های احتمالی اش نخواهند داشت. این ائتلاف قبل از تولد مرده است. بعلاوه وضعیت فعلی خود محصول چنین پروژه ارتجاعی است. زمانی که اضدادی مانند قوم پرستی، نژاد پرستی، تفرقه مذهبی و قبیله گری شالوده سیاسی و ایدئولوژیک حکومت را تشکیل می‌دهند تردیدی نباید کرد این منافع به سرعت به تلاقی و کشمکش و جنگ مذهبی و قومی و قبیله ای کشیده خواهند شد.

نتیجتا در این شرایط تنها دو راه حل واقعی در نقشه سیاست عراق بجا می ماند: یا باید جریانات و نیروهای سیاه قومی و مذهبی را با قدرت سازمانیافته و مسلح توده مردم آزادیخواه و برابری طلب در هم کوبید و از صحنه سیاست جارو کرد و بر ویرانه های موجود جامعه ای آزاد و برابر و سکولار و فارغ از تعلقات کثیف قومی و مذهبی و قبیله ای ایجاد کرد یا اینکه عراق در خطوط مذهبی و قومی و قبیله ای تقسیم خواهد شد. اما تقسیم قومی در شرایط جنگی و خونین فعلی خود مستلزم گذر از یک گذرگاه خونین و دهشتناک است که نیروهای اسلامیستی و قوم پرست درگیر در جدال برای سهم ببری و بسط سلطه نفوذ خود بر جامعه تحمیل کرده و خواهند کرد. تجزیه یوگسلاوی را هنوز در اذهان بسیاری از ما زنده است. به یاد داریم تصاویری را که مردم مستاصل و آواره کوله بار زندگی خود را بر دوش داشتند و از

منطقه ای به منطقه دیگری فرار میکردند و در گوشه فرزند و یا عضوی از خانواده خود را به خاک می سپردند. رسیدن به چنین وضعیتی خود مستلزم جنگ ها و خونریزیهای بسیار بر سر سرزمینها و شهرها و مناطق و منابعی است که این نیروهای ارتجاعی برای تسلط و جنگ اندازی برای آن می جنگند. تصور تصفیه های قومی و مذهبی و قبیله ای مانند ابرهای سیاه ذهن هر انسانی را فلج میکند.

از طرف دیگر دخالت نیروهای رژیم اسلامی در منجلا ب عراق دامنه جنگ و کشتار را گسترده تر کرده و عملا پای کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان و شاید ترکیه هم را وارد این تخصصات کند. تخصصاتی که نه تنها نتایجی هولناکی برای مردم عراق به دنبال دارد بلکه مانند حفره ای سیاه همه چیز از مدنیت گرفته تا انسانیت را در خود خواهد بلعید. در چنین شرایطی زمینه برای تحرك نیروهای مشابه و جدالهای مشابه در ایران و سایر منطقه هموار خواهد شد. یک نتیجه محتمل حضور مستقیم رژیم اسلامی در عراق انتقال این منجلا ب و کشمکش به جامعه در حال تحول به ایران است.

در این شرایط تنها دریچه

امید برای يك آینده انسانی، جارو کردن انواع جریانات اسلامیستی و قوم پرست و قبیله ای از صحنه سیاست عراق است. تنها با برافراشتن پرچم سیاستی که هدفش ایجاد جامعه ای باز، آزاد و برابر و متساوی الحقوق برای همگان است، میتوان از شر این نیروهای سیاه خلاص شد. تنها با نیروی سازمانیافته و مسلح مردم متحد میتوان این نیروها را از میدان بدر کرد. تنها کارگر و مردم آزادیخواه مسلح میتوانند این جریانات را درهم بکوبند و از صحنه جارو کنند.

آیا چنین آینده ای میتواند متحقق شود؟ آینده به انتخاب و تلاش امروز کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی در عراق گره خورده است.

در حاشیه این مساله باید اشاره کرد که مقوله "تمامیت ارضی" بهیچوجه جایی در سیستم عقیدتی و باورهای نظری ما ندارد. ما نه مخترع شکل دادن این "کشور" ها بوده ایم و نه برای ماندن و بقایشان تلاشی خواهیم کرد. از نقطه نظر ما کشورها میتوانند کوچکتر شوند، میتوانند بزرگتر شوند. اما هر تغییر و تحولی باید منعکس کننده اراده و انتخاب آزاد و آگاهانه توده های مردم این جوامع باشد.

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور
۰۰۴۴۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شها دانشفر، دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

نماینده مردم عراق چه کسی است؟

"نه داعش نماینده اهل سنت است، نه ارتش عراق نماینده شیعیان"

عبدالله رمضان زاده فعال دوم خردادی و از مقامات بالای دولت خاتمی

دغدغه این جناب دوخردادی، به شیوه دولت متبوعه اش و همه نیروهای اسلامی، نمایندگی شدن مردم نیست، نمایندگی شدن اهل مذاهب است، و این نماینده تراشی مذهبی خود بخش مهمی از صورت مساله فاجعه عراق است.

مردم اهل سنت و اهل تشیع، یا عبارت دقیق تر مردم منتسب به این مذاهب، نمایندگان خود گمارده زیادی دارند. از جمهوری اسلامی و مراجع تقلید رنگارنگ که هم اکنون در عراق مشغول فتوا دادن علیه یکدیگر هستند تا اخوان المسلمین و دولت مالکی و طالبان و داعش و دانشگاه الازهر و غیره و غیره. حتی برخی دولتهای اروپایی امام جمعه فلان مسجد یا فلان شیخ و مفتی و آیت الله ساکن کشورهای اروپایی را نماینده مهاجرین مسلمان به آن کشور قلمداد میکنند. این نماینده تراشی مذهبی

شیوه همه دولتها و نیروهای ارتجاعی است. یک حاصل آن جمهوری اسلامی است که بعنوان نماینده "انقلاب اسلامی" و "جامعه مسلمان" ایران بجلو رانده شد و در مسند قدرت قرار گرفت؛ و یک محصول دیگر آن فاجعه امروز عراق است؛ داعش و طالبان و دولت مالکی هم همین مدال نمایندگی مذهبی بخش از مردم را به سینه زده اند. نه صرفا افراطیون بلکه اسلامیون معتدل نظیر دو خردادیه هم خود را نماینده اسلام راستین میدانند.

رقابت و کشاکش میان فرقه های مختلف اسلامی به خواستها و تمایلات و منافع واقعی مردم، حتی اگر خودشان را پیرو این یا آن مذهب بدانند، ربطی ندارد. باید شر نیروها و دولتهای مذهبی از نوع داعش و عربستان گرفته تا جمهوری اسلامی و حزب الله و دولت مالکی را از سر جامعه کم کرد تا بتوان از هر نوع نمایندگی شدن واقعی مردم در دولت و در سیاست سخن گفت. جaro کردن اسلامیون در دستور روز توده مردم درعراق، درایران، و در کل منطقه خاورمیانه قرار دارد. *

اعلام برگزاری تجمع خودجوش!

آماده کردن مجاهدین اسلام در یک منطقه امپراطوری عثمانی برای اعزام به جنگ با کفار مسیحی باشد. سرود و تهییج و سخنرانی مذهبی در دفاع از عتبات عالیات که هفته قبل روحانی در موردش به منبر رفته بود و بعد ثبت نام "مدافعان حرم"!

اما به همان اندازه که این کمدی- تراژدی به قرون وسطی نزدیک است از جامعه و مردم ایران بیگانه و بی ربط است. اوباش حکومتی و دار و دسته های ساندیس خور را در میدانی جمع میکنند و بر طبل جنگ با کفار میکوبند اما آن جنگ واقعی که بساط کل این توحش را جمع خواهد کرد مبارزه مردم ایران با جمهوری اسلامی است. "انقلاب خود جوش" مردم ایران بزودی فرا خواهد رسید. *

به گزارش سحام نیوز قرار است روز چهارشنبه (روز نوشتن این یادداشت) تجمعی تحت عنوان "اجتماع بزرگ لبیک" در رابطه با تحولات عراق در تهران برگزار شود. مقامات گفته اند این یک تجمع خودجوش است (!) که در آن یک فرمانده ارتش و یک مداح سخنرانی خواهند کرد. همچنین قرارست گروه سرود حزب الله لبنان در این مراسم سرود اجرا کند و آهنگی هم تحت عنوان "مدافعان حرم" اجرا خواهد شد. همچنین اعلام شده که در طی این مراسم از داوطلبین برای شرکت در جنگ با داعش ثبت نام به عمل می آید.

از جوك خودجوش که بگذریم برنامه این مراسم شباهت زیادی به سرباز گیری برای جنگهای صلیبی در قرون وسطی دارد. این توصیفات میتوانست شرح

شادی مردم و جهنم حکومت!

این حرفها را تکرار میکنند اما دردشان چیز دیگری است.

تلویزیون ماهواره ای دریچه ای به دنیای موزیک و رقص و فیلم و شادی و سرگرمی و لذت سمعی و بصری عصر حاضر است. دنیائی بدور از نهی از منکر و امر به معروف و سانسور و ممیزی متحجرین حاکم بر ایران. آنچه برای متحجرین حاکم جهنم است، برای مردم بجان آمده روزنه ای از فرهنگ و معیارها و ارزشهای کپک زده و قرون وسطائی حاکم به مدرنیسم قرن بیست و یکم است. *

"آوردن آنتن ماهواره به معنی آوردن جهنم به خانواده است."

احمد خاتمی

جنگ جمهوری اسلامی با آتن ماهواره تمامی ندارد! هجوم میبرد و شکست میخورد و عقب مینشیند و باز حمله میکند. هر سال چندین بار این دور باطل تکرار میشود. حتی با تانک هم از روی دیش های ماهواره رد شدند و افاقه نکرد! مشکلشان چیست؟ اخلاقیات اسلامی؟ هجمه فرهنگ غربی؟ عفت و عصمت عمومی؟ حفظ کیان اسلام؟ ... مدام از سر منبرها

"حجاب و عفاف"

جدالی بر سر بودن و نبودن!

دارد ورشکستگی خودش را اعلام میکند. ۲۲ دستگاه مشغول پیگیری قوانین ارتجاعی و ارزشهای پوسیده اسلامی هستند و بجائی نرسیده اند! هر چه حکومتی ها بیشتر برای مردم خط و نشان میکشند، زنان و جوانان و بخش وسیع تری از مردم معترض بیشتر موازین و ارزشهای پوسیده "عفاف و حجاب" اسلامی را نقض میکنند و زیر پا میگذارند.

اما مساله بر سر اخلاقیات و معنویات و مقابله اسلامی با هجوم فرهنگی و حتی صرفا برسر موقعیت زن در جامعه نیست. جدال بر سر مساله حجاب کشاکشی است بین مردم و رژیم بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی! همه میدانند این حکومت بدون حجاب يك هفته هم نمی تواند دوام بیاورد. آنچه در عمق جامعه ایران جریان دارد يك حرکت وسیع اجتماعی در نفی حکومت است و زنان در محور این حرکت قرار دارند. *

"۲۲ دستگاه مسئول پیگیری موضوع عفاف و حجاب هستند"

وزیر کشور

این بخشی از اظهارات وزیر کشور در پاسخ به سئوالات نمایندگان مجلس در مورد عدم برخورد دولت به ساپورت پوشان است!

حجاب و عفاف و امروز ساپورت به يك مساله حاد حکومت و کشمکش بین جناحها تبدیل شده است. اما معضل حکومت سیاسی تر و عمیق تر و فراتر از این است. حاد شدن بحث حجاب و عفاف و ساپورت و "مسائل فرهنگی" از این قبیل در رهنمودهای مقام رهبری و در دعوای بین جناحها و در مجلس و دولت و نمازهای جمعه و غیره همه حاکی از درماندگی يك حکومت قرون وسطائی در برابر يك جامعه قرن بیست و یکمی است. حکومتی که مجبور است برای حفظ عفاف و حجاب مردم ۲۲ دستگاه را بجان جامعه بیاندازد

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

با زور و زندان و شلاق کسی را نمیتوان بچه دار کرد!

شهلا دانشفر

جلوگیری از بارداری نیز تنها از منخبله جانیان اسلامی حاکم بر ایران و حکومت های اسلامی ای از این قماش، میتواند خطور کند و هیچ تناسبی با دنیای امروز و آرمانهای انسانی مردم ندارد.

روشن است که چنین طرحهای با اعتراض مردم پاسخ میگیرد و باید بگیرد. روشن است که نتیجه اجرای چنین طرحهایی چیزی جز نهادینه تر شدن ستم کشی زن و گسترش ابعاد فاجعه بار آن و جنایی تر شدن زندگی زنان در جامعه نیست.

بنا بر قوانین اسلامی زن برده جنسی مرد محسوب میشود و در پناه حاکمیت چنین قوانینی در جامعه زنان حتی در چهارچوب خانواده مورد تجاوز جنسی همسرانشان قرار میگیرند. بنا بر همین قوانین و طرحهایی از نوع طرح افزایش جمعیت جانیان اسلامی در این اندیشه اند که حق طلاق برای زنان را از آنچه که امروز هست، سخت تر کنند. طرح جرم محسوب شدن جلوگیری از بارداری نیز حتی حق جلوگیری از فرزند ناخواسته ای را که داشتنش به قیمت خانه نشین کردن بیشتر زن و حتی بعضا تباهی بیشتر زندگی و معیشت زنان است را از زنان میگیرد.

صفحه ۸

نفس در دستور قرار گرفتن چنین طرحی و جرم تعیین کردن برای زنی که ناگزیر به انتخاب سقط جنین خود میشود و محروم کردن زنان از حمایت های اجتماعی برای جلوگیری از بارداری ناخواسته به حکم قانون و زندان، در خدمت نهادینه شدن ستم بر زن و جنایی تر شدن زندگی زنان در جامعه است. اولین نتیجه اجرایی شدن چنین طرحی بی حقوقی و مستمند کردن بیشتر زنان، خارج شدن بیشتر آنان از عرصه فعالیت های اجتماعی، باز گذاشته شدن بیشتر اخراج آنان از کار، بیکاری بیشتر در میان زنان، خارج شدن زنان از تحصیل و اشتغال، و سوق دادن زنان به گوشه خانه است.

همه میدانیم تصمیم به سقط جنین برای یک زن ساده نیست. علت رسیدن زنان و مردم یک جامعه به چنین انتخابی حاکمیت مناسبات وارونه سرمایه داری و استثمار و ستم بر جامعه است. راه حل ما مردم در مقابل توحش سرمایه داری حاکم، مبارزه برای برپایی جامعه ایست که هیچ تنگنا و عاملی انسان ها را به انجام و یا تأیید این عمل سوق ندهد.

بویژه در ایران داستان بر سر حاکمیت یک حکومت آپارتاید جنسی است. از جمله طرحهایی چون طرح جرم اعلام کردن

پذیرند. بخاطر همین است که حتی وقتی طرحشان در مجلس اکثریت آرا را می آورد باز جرات اعلامش را نمیکند و دوباره به پستوی کمیسون هایشان عقب زده میشود. "طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت" حکومت اسلامی و جرم اعلام کردن جلوگیری از بارداری، طرح حکومت آپارتاید جنسی در پاسخ به معضل پیرشدن ترکیب جمعیتی کشور است.

هدف این طرح تبدیل زنان به ماشین "جوجه کشی" و "تولید نسل" است. برای افزایش نیز به چماق اسلام و احکام زندان متوسل شده اند. چرا که بنا بر قانون اسلامشان وظیفه زن چیزی جز شوهر داری و تامین رضایت همسر و بچه داری و کار در خانه نیست.

بر اساس این طرح زنان حتی از حق کنترل حاملگی و استفاده از همان امکانات محدود کنونی برای جلوگیری از بارداری و آزادی سقط جنین محرومند. نتیجه مستقیم اجرایی شدن آن نیز چیزی جز شکل یافتن بیشتر شبکه های سقط جنین های "غیر قانونی" و زیر زمینی و غیر استاندارد غیر بهداشتی و مرگ و میر بیشتر مادران از یکسو و اضافه شدن بر تولد کودکان ناخواسته و تباهی زندگی آنان از سوی دیگر نیست.

اسلامی با اکثریت آرا و با استناد به احکام اسلامی این کلیات را تصویب کرد. آخر سر نیز بخاطر اینهمه بحث و کشاکش محمد ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی که در غیاب لاریجانی ریاست جلسه را برعهده داشت، پس از تصویب کلیات طرح، پیشنهاد بازگرداندن آنرا به کمسیون های فرهنگی و قضایی و دولت داد.

در مجلس اسلامی یک مشیت دایناسور ماقبل تاریخ نشست و اند و کارشان تصویب قانون علیه مردم و علیه پایه ای ترین حقوق انسانی کل جامعه است و میخواهند بر همه وجوه زندگی انسان ها، حتی بچه دار شدن و یا نشاندن قانون وضع کنند و حکم برانند.

پیر شدن ترکیب سنی جمعیت کشور و عدم رشد یک معضل واقعی جمهوری اسلامی است و این را در آمارهای جهانی مربوط به کشور ایران میبینیم، طرح افزایش جمعیت و رشد باروری رژیم اسلامی، پاسخ این حکومت به این معضل با داعیه داشتن یک کشور بزرگ اسلامی، آنهم از نوع شیعه اش، یکی از رجز خوانی های این حکومت و خامنه ای ولی فقیه شان است. بنابراین موضوع برای جانیان اسلامی، جنبه اسلامی و استراتژیک هم دارد. اینجاست که پای زندان و شلاق به میان می آید.

طرح افزایش جمعیت رژیم اسلامی و تصویب طرحهای چون تعیین مجازات برای "جرم" جلوگیری از بارداری، طرحهایی یک حکومت آپارتاید جنسی ضد زن برای رسیدن به آن اهداف است.

تصویب چنین طرحی، یک گستاخی تمام عیار و تحقیر آشکار زنان و کل جامعه است و مردم چنین تحقیری را نمی

مدتست که بحث بر سر معضل پیر شدن ترکیب سنی جمعیت ایران و عدم رشد آن به بحث داغ درون حکومت تبدیل شده و این موضوع هم مثل هر معضل دیگری که پای مردم به میان می آید به موضوع جدالی در درون حکومت تبدیل شده است. در همین راستا طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و بحث های کشافی نیز در میان مراجع تقلیدشان بر پا شده است. یکی از محصولات همه غور و تفحصشان تصویب کلیات طرحی مبنی بر جرم اعلام کردن جلوگیری از بارداری در جلسه هفته اخیر مجلس است. بنا بر خبر در صورت تصویب جزئیات این طرح کلیه اقدامات راجع به سقط جنین، عقیم سازی، وازکتومی، توبکتومی و هرگونه تبلیغات راجع به تحدید موالید در کاهش فرزندآوری ممنوع است و افراد متخلف به دو تا پنج سال زندانی محکوم می شود.

روشن است که این طرح نیز بخشی از تلاشهای ناموفق رژیم اسلامی برای حل معضل پیر شدن جمعیت کشور است. نزاعهای درون حاکمیت، دولت از یکطرف و دارودسته های مجلس از سوی به روشنی بیانگر بی سرانجام چنین طرحهایی است. علت اصلی این کشاکشها ترس از اعتراضات مردم است. از جمله دواتگری نماینده مجلس اسلامی از مراغه قدر عافیت را فهمیده و با بیان اینکه با زور و شلاق و زندان مردم را نمی توان بچه دار کرد، از مجلس خواست که برای حفظ حرمت خود به کلیات این طرح رای ندهند. مخالفین دیگر نیز تصویب چنین طرحی را خلاف سیاست های کلی نظامشان دانستند. اما مجلس بیحرمت رژیم



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

با زور و زندان و شلاق کسی را نمیتوان بچه دار کرد!

بعلاوه فقر و گرسنگی در جامعه بیداد میکند. بیکاری بیداد میکند. آمار رژیم اسلامی دارد از رکورد بیکاری زنان و از ۴۵ درصد بیکاری آنان سخن میگوید. تبعات مستقیم این وضعیت بالا رفتن سن ازدواج، به تلاشی کشیده شدن خانواده و بالا رفتن آمار طلاق است. از جمله امروز جامعه به وضعیتی رسیده است که بسیاری از جوانان در حسرت ازدواج کردن و تشکیل خانواده دادن و دارای فرزند شدن هستند. اما برای اینکه نمیتوانند برای خود مسکن و ماوایی تهیه کنند و حتی بعضا زندگی خود را به سختی میگذرانند و از اینرو از ازدواج کردن و صاحب بچه شدن رویگردانند. بویژه وقتی که در

برابر چشمان خود می بینند که بیش از ۴ میلیون کودک کار و خیابان هستند و جمعیت میلیونی از کودکان از چرخه تحصیل خارج مانده اند. بنابراین در ایران بحث از مساله ترکیب سنی جمعیتی کشور و غیره فراتر میرود. بحث بر سر رسیدن کل جامعه به مرز تباهی در حاکمیت رژیم اسلامی است. در برابر چنین حقایق تکاندهنده ای طرح جانپان اسلامی تحت عنوان "طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت" و تعیین احکام "قضایی" برای جلوگیری از بارداری، گرفتن چماق قوانین اسلامی و زندان بر سر جامعه و خانه نشین کردن زنان است. در برابر چنین شرایطی و چنین

تعرضی از سوی حکومت اسلامی به زنان و به کل جامعه، پاسخ ما جلو آمدن مردم با جنبش مطالباتی خود و خواستهایی چون بیمه های اجتماعی با استانداردهای پیشرفته جهان امروز از جمله درمان و بهداشت رایگان، بیمه بیکاری مکفی، و برقراری روابطی مدرن، سکولار و انسانی در جامعه است. پاسخ ما مردم سرنگونی رژیم اسلامی و به دور انداختن قوانین ارتجاعی اسلامی و رها کردن مردم از تباهی و فلاکت حاکم بر جامعه است.

حرف ما اینست که تا مادامی که در بر همین پاشنه میچرخد و تنگناهای اجتماعی زنان را در مقابل این انتخاب و انجام سقط

جنین قرار میدهد، در دفاع از حقوق زنان و برای تضمین سلامت آنان و جلوگیری از سوء استفاده سودجویان و جنایی شدن امر سقط جنین باید از حق سقط جنین برای زنان دفاع کرد. باید همانطور که در برنامه يك بهتر اشاره شده است سقط جنین تا ۱۲ ماهگی قانونی باشد. باید وسائل جلوگیری وسیع و رایگان در دسترس مردم باشد و در مورد روش های جلوگیری از بارداری و اهمیت مساله به آنان آموزش وسیع جنسی داده شود و مشاوران و مددکاران اجتماعی متخصص در دسترس مردم باشند. همچنین به منظور تشخیص سریع حاملگی های ناخواسته باید تسهیلات و لوازم تست حاملگی، و آموزش مردم در استفاده از آنها، در دسترس وسیع و رایگان باشد. باید انجام سقط جنین و پرستاری پس از آن، بطور رایگان در کلینیک های مجاز توسط پزشکان متخصص در اختیار زنان باشد.

اما اگر يك عامل اصلی سقط جنین تنگنای اقتصادی جامعه است، دولت در قبال رفاه جامعه و تامین بیمه های اجتماعی ای چون درمان رایگان، تحصیل رایگان، تسهیلات لازم برای تامین مسکن و داشتن يك زندگی انسانی مسئول است. از جمله برای کمک به زنانی که آرزوی داشتن بچه را دارند اما از سر فشار اقتصادی خود را ناگزیر به انجام سقط جنین میبینند، باید بودجه و امکانات کافی اختصاص داده شود. همچنین دولت موظف است که تسهیلات لازم برای ازدواج جوانان و فرزند دار شدن آنان اختصاص دهد. به

عبارت روشنتر دولت باید امکانات نگهداری بچه را برای مردم جامعه فراهم کرده باشد. باید امکانات پزشکی مناسب و رایگان و کنترلهای منظم مادر و فرزندش در تمام دوران بارداری فراهم باشد. ضمن اینکه کودک باید رفاه داشته باشد. جدا از اینکه خانواده او در چه موقعیت اقتصادی ای قرار دارد، دولت در قبال رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان مسئول است. همچنین تحصیل در تمام سطوح آموزشی رایگان باشد. اینهاست پاسخ بخشی از معضلات اساسی ای که جوانان را از ازدواج و بچه دار شدن رویگردان کرده است. ضمن اینکه باید در برابر طرحهای ارتجاعی حکومت ایستاد و اعلام کرد که بچه دار شدن و یا نشدن و اینکه هر کس چند فرزند دارد، امری کاملاً خصوصی است و دولت به هیچ وجه اجازه دخالت در این موضوع را ندارد.

از سوی دیگر لازمست این را هم اشاره کنم که کم نیست مواردی که دختران جوانانی که بخاطر قرار گرفتن در رابطه ای جنسی بچه دار شده اند، زیر فشار های اخلاقی وادار به سقط جنین شده اند. حتی سلامتی و جانشان به خطر افتاده است. باید جان و زندگی چنین زنانی از هرگونه تهدید و فشاری در امان باشد. اینها همه خواستهایی پایه ای و اولیه است که هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان جامعه توانسته است به آنها دست یابند. در برابر "طرح افزایش جمعیت دولت" باید با چنین خواستهایی روشنی به مقابله پرداخت.*

تقلای ناسیونالیستها برای تضمین کمترین تغییر

سر این نیست که در اعلامیه مشهور حقوق بشر نکات و آزادیهای سیاسی خوبی وجود ندارد. بلکه بر سر اینست که اولاً اینها کافی نیست. ثانياً همین قدر هم که در کشورهایی عملی شده به قدرت مبارزه و تلاش کارگران و سوسیالیستها و نیروهای رادیکال بوده است. و سوم اینکه این اعلامیه حقوق بشر تاریخاً پرچم جبهه راست و ضد مردمی بورژوازی است و امروز روشن است که وقتی کسی و جریانی خود را مدافع حقوق بشر معرفی میکند دارد عملاً تعلق خود را به این جبهه راست بورژوازی اعلام میکند. و چهارم اینکه اگر کسی بطور واقعی مدافع آزادی های سیاسی و حقوق رفاهی و انسانی مردم باشد، باید همین امروز حقوق و خواسته های مشخص مردم را مطرح کند و

برای عملی شدن آنها برنامه روشن داشته باشد و برای آنها تلاش کند. ما و مردم حق داریم که به نیروها و شخصیتها و جریاناتی که تاریخ سیاسی شان علیه مصالح مردم است و يك بار هم در عمرشان بطور مشخص از حقوق کارگران و زندانیان سیاسی، و مردم بجان آمده و زنان تحت ستم و امثال اینها بطور مشخص دفاع نکرده اند و برعکس عمل کرده اند، شک کنیم و سوگند حقوق بشری شان را آنطور که واقعا هست یعنی ابراز وفاداری به جبهه راست بورژوازی معنی کنیم.

در مورد این "مجمع سازمان های سکولار دموکرات" نیز باید گفت که وقتی که جریانی از انقلاب یعنی تنها راه سرنگونی حکومت توسط مردم فاصله

میگیرد و حتی حاضر نیست از کلمه سرنگونی استفاده کند، وقتی جریانی حفظ سیستم نظامی و اداری و مالی موجود را جزو اولویت های خود قرار میدهد، وقتی جریانی هنوز به جایی نرسیده چماق تمامیت ارضی را بلند میکند و آنرا جزو محورهای سیاست خود قرار میدهد، و وقتی جریانی خود را سکولار میخواند اما يك کلمه حرف در مورد جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش و آزادی مذهب و بی مذهبی و لغو اعدام و دیگر خواستها و حقوق مردم نمیزند، هزار حرف دیگر هم بزند ذره ای نمیتواند به صف آزادیخواهی مردم تعلق داشته باشد. ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴*



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سؤالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

۴۵۰۰۰ دلار جمع آوری شده و حداقل ۵۵۰۰۰ دلار دیگر لازم است

هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!

هوشمند ۳۰۰ دلار
احمد حسینی ۱۰۰۰ دلار
نینا تابان و مهران محبوبی
۱۵۰ دلار
سلیمان سبکبار ۲۰۰ کرون
فریده آرمان ۳۰۰۰ کرون
فاضل نادری ۵۰۰ کرون
آوا شکبیا ۲۰۰ کرون
شادی بهار ۵۰۰ کرون
کمیته حزب در مالمو ۴۰۰۰
کرون
جاوید ناصری ۱۰۰۰ کرون
علی مطمئن ۲۰ یورو
گرسور مسجد سلیمان ۲۰ یورو
ایرج فرجاد و منیر شریف پوریان
۱۰۰ یورو
شهلا خباززاده ۵۰ یورو
دوست مینا احدی ۱۵۰ یورو
حیدر گوینی و شایسته طاهرخانی
۲۰۰ یورو
جمیله میرکی ۲۰ یورو
مهین درویش روحانی ۲۰۰ یورو
ناهید و علی ۱۰۰۰ کرون
شهلا آقاجانی ۱۰۰ دلار

را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم.
۴۵۰۰۰ دلار در طول سه هفته
گذشته جمع آوری شده و امیدواریم
به همت شما حداقل ۵۵۰۰۰ دلار
دیگر نیز در هفته های آینده
تامین شود.
ضمن قدردانی عمیق از دوستانی
که تاکنون کمک کرده اند، کلیه
دوستان حزب و کانال جدید و
همه مردم شریف و آزادیخواه را به
پیوستن به این کمپین
فرا میخوانیم.
لیست کمک به کمپین ۱۰۰ هزار
دلاری در هفته چهارم
شهرزاد ۱۰۰ کرون
رفعت ۲۳۰ کرون
نوبد مینائی ۱۰۰۰ کرون
نازیلا صادقی ۱۰۰۰ کرون
مجید ۶۰۰ دلار
میترا ۱۰۰ دلار
شهاب ۱۰۰ دلار
آقای حمیدی ۶۰۰
دلار

حزب کمونیست کارگری حزب
شما است. حزب آمل و آرزوهای
انسانی میلیونها نفر، حزب
پرچمدار مبارزات کارگران، زنان،
دانشجویان و معترضین به اعدام
و جنایات حکومت اسلامی است.
کانال جدید صدای اعتراض
میلیونها زن به حجاب اسلامی،
صدای اعتراض میلیونها کارگر به
بی حقوقی همه آحاد جامعه در
ایران و صدای جوانان معترضی
است که شادی و رفاه و آزادی را
حق خود میدانند.
برای ادامه کاری کانال جدید و به
منظور گسترش دادن به
فعالتهای حزب و کانال جدید، به
کمک تک تک شما نیازمندیم. هیچ
کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی
بیش از اندازه زیاد نیست. همه
شما کسانی که ما را مورد تشویق
قرار داده و قلبستان از دیدن
پیشرویهای این حزب و این کانال
به طیش در می آید، کمک کنید تا
حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی

به کمک مالی شما نیاز داریم!

کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

مبارزه برای کنار زدن بختک
جمهوری اسلامی و صرف تلاش
برای سازمان یافتن مردم برای
رهائی از این جهنم میشود.
بعنوان فعال این کمپین قدم به
میدان بگذارید و از همه دوستان و
آشنایان و از همه انسانهای شریف
بخواهید که به حزب کمونیست
کارگری و کانال جدید کمک مالی
کنند. امیدواریم با مشارکت فعال
شما حداقل صد هزار دلار در دو
ماه آینده جمع آوری کنیم و
فعالیت هایمان را گسترش دهیم.
کمک های خود را میتوانید از
طریق از طریق حسابهای بانکی
زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان
کمک ها بطور علنی اعلام خواهد
گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

میرم دارند تا صفوف خود را
متحدتر و مستحکم تر کنند و به
کانال جدید نیاز دارند تا صدای
اعتراض خود را هر چه رساتر
منعکس کنند. کارگران و زنان و
جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده
هایشان، محکومین به اعدام و
خانواده هایشان و در يك كلام
بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و
زحمتکش به این حزب و کانال
نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر
مبارزه برای احقاق حقوق خود را
گسترش بدهند. ما مصممیم که
فعالیت های خود را گسترش دهیم
و به این منظور به کمک مالی
شما نیازمندیم. از شما دعوت
میکنیم که فعالانه در این کمپین
شرکت کنید.

هر يك دلار کمک مالی شما
صرف مبارزه برای نجات انسانها،

به منظور تامین هزینه های کانال
جدید و گسترش فعالیت های
حزب کمونیست کارگری کمپینی
دو ماهه از اول ماه جون تا آخر
جولای اعلام میکنیم و از همه
دوستان حزب و کانال جدید و
کلیه آزادیخواهان و مخالفان
جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم
در این کمپین ما را یاری بدهند.
نقش حزب کمونیست کارگری
و کانال جدید برای میلیون ها نفر
از مردم شناخته شده است. در
عرصه های مختلف مبارزه و
هرجا ظلم و سرکوبی هست حزب
کمونیست کارگری هم فعالانه
حضور دارد و در صف اول مبارزه
علیه جمهوری اسلامی و علیه
بی حقوقی ها و محرومیت های
مردم ایستاده است. مردم ایران به
حزب کمونیست کارگری نیاز

کلید نجات ریحانه در دستهای شما مردم است!

اطلاعیه مطبوعاتی کمپین نجات ریحانه جباری در مورد تغییرات جدید در پرونده ریحانه جباری



در روزهای گذشته، اخبار نگران کننده ای از وضعیت ریحانه به دست ما رسیده است. ریحانه را در زندان به یک اتاق منتقل کرده اند که با چند نفر از بیماران مبتلا به ایدز و یا بیماریهای واگیردار در یک سلول زندگی کند و ظاهراً مسئولین زندان از اینکه ریحانه باید بیست و چهار ساعته زیر نظر باشد، این انتقال به سلول بیماران مبتلا به بیماریهای مسری را توجیه میکنند. ریحانه از رفتن به این سلول سرباز زده و عملاً در راهرو زندگی میکند و همان جا نیز می خوابد.

در عین حال ایسنا و سایت تدبیر روز چهارشنبه ۴ تیرماه ۱۳۹۳ برابر با ۲۴ ژوئن ۲۰۱۴ نوشت: تکذیب خبر بخشش "ریحانه جباری" از حکم اعدام گروه اجتماعی تدبیر: پس از اعلام خبری مبنی بر بخشش ریحانه جباری از اجرای حکم اعدام، فرزند مرحوم سربندی و جمعیت امام علی تکذیبی به ای در این رابطه منتشر کرده اند که نسخه ای از آن در اختیار "تدبیر" قرار گرفته است.

<http://www.tadbirkhabar.com/news/society/46011>

در اینجا به جداری فروغی حمله شده و همه ادعاهای او در مورد امکان بررسی مجدد پرونده و یا رفع خطر اعدام از بالای سر ریحانه، به یک دروغ و شایعه از سوی فروغی نسبت داده شده و یکبار دیگر خانواده سربندی از اینکه فروغی در سایتها در مورد این پرونده مینویسد، از موضع دلخور شدن و آزاده خاطر شدن به میدان آمده و در کل یک بن بست تمام عیار را مجدداً در پرونده مطرح کرده اند.

در تکذیبیه جمعیت امام علی در مورد پرونده ریحانه نیز میخوانیم که این انجمن از عملکرد خود در جریان پرونده

نهادها و یا افراد در جریان بود این بوده و هست:

راههای قانونی بسته شده است و عملاً نمیتوان کاری کرد، باید به خانواده سربندی متوسل شد و التماس کرد و تحقیر شد و به هر ساز آنها رقصید و در نهایت یک شب شوم این خانواده و رژیم اسلامی اعلام کنند که خانواده رضایت نمیدهد و حتی خواهان اجرای فوری حکم است و همه با سکوت و سکون ناظر اعدام ریحانه باشند و بگویند هر چه که ممکن بود کردیم نتیجه نداد.

نه ما نمیگذاریم و نگذاشتیم این سناریو اجرا شود.

ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که این موضوع، چالش بسیار مهمی است با رژیم، قضات این حکومت، بازپرس پرونده و در نهایت چالشی است با خانواده ای که یک عضو خود را از دست داده اند که پرونده این فرد، وظیفه اش و شغلش و میزان

و دروغی تحویل افکار عمومی میدهند. از روز روشن تر است که در مورد ریحانه، پرونده سازی شده و نظام میخواست بهر دلیل یک زن را قربانی کند و اکنون مردم خبردار شده اند و خود این زن حرفهای دلش را با مردم زده و همه میدانند که توطئه ای در کار است و همه میخواهند بدانند چرا ریحانه به اعدام محکوم شد، چرا اصلاً این دختر ۱۹ ساله را گرفتید و شکنجه کردید، چرا این بلاها را سر این دختر بیگناه آوردید و در محضر جامعه بین المللی به حداقل ۱۸۵ هزار نفر امضا کنندگان طومار اعتراض به این حکم و به میلیونها نفر مردم ایران که ریحانه را می شناسند باید پاسخ بدهید چرا این ماجرا به اینجا کشید؟

در این میان شعله پاکروان و خانواده ریحانه، در بدترین شرایط ممکن بسر میبرند. فشار بر این خانواده که علنی حرف نزنید، شلوغ نکنید، مصاحبه نکنید، حرف نزنید و شاهد اعدام فرزند

همکاری اش با رژیم هنوز معلوم نیست. ولی بهر حال یکی از همکاران قبلی وزارت اطلاعات و یا ظاهراً یکی از دور زندگان تحریم های اقتصادی و یا فردی "اقتصادی" در این سطح!

کشیدن ریحانه از چنگ رژیم اسلامی کار ساده ای نیست برای ما از اول این روشن بود. ما میدانستیم به هزار ترفند متوسل خواهند شد و زهر خود را خواهند ریخت!

یک نکته مهم است! مردم در ابعادی میلیونی در این پرونده به میدان آمدند و همین نقطه قدرت این کمپین است. پس شانس نجات ریحانه بسیار بالا است!

مردمی آمدند که گوی حکومت اسلامی را گرفته و نمیگذارند یک زن جوان را با سببیت بکشند، زنی که در جریان دفاع از خود یک چاقو به مقتول زده و فرار کرده و رسماً میگوید که یک مرد وارد صحنه شده و قاضی و بازپرس و نیروی انتظامی و همه سازمان دهندگان این جنایت، هر یک حرفی میزنند

اعتصاب کارگران در مجتمع پتروشیمی تبریز برای افزایش دستمزد

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مبارزه و اعتراض کارگران پتروشیمی تبریز، از کارگران می‌خواهد که به اعتصاب خودشان تا حصول نتیجه ادامه دهند و از سایر کارگران بخشهای دیگر پتروشیمی نیز می‌خواهد که به این اعتصاب مهم پیوسته و کارگران اعتصابی را در مبارزه شان تنها نگذارند.

کمیته آذربایجان حزب همچنین از کارگران سایر کارخانجات و واحدهای تولیدی تبریز نیز می‌خواهد که به این اعتصاب مهم کارگری برای افزایش دستمزدها بپیوندند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ جون ۲۰۱۴ برابر ب
۳۱ تیرماه ۹۳

بنا به اخبار منتشره در رسانه‌ها ۵۰۰ نفر از کارگران پتروشیمی تبریز، در پی به نتیجه نرسیدن مذاکرات نمایندگان منتخب شان با مدیرعامل و سایر مدیران این پتروشیمی، از تاریخ ۲۵ خرداد دست به اعتصاب زده اند. خواست کارگران افزایش ۵۰۰ هزار تومان به حقوق ماهیانه شان است. زمان اعتراض و نحوه اعتراض طوری است که بخشهای وسیع و حساس پتروشیمی را با تعطیلی مواجه ساخته است. کارگران پتروشیمی تبریز در ماههای گذشته با اعتصاب و اعتراض خودشان موفق شده اند که پیمانکار واسط نیروی کار (به عنوان طرف قراردادهايشان) را حذف و قرارداد مستقیم با کارفرما ببندند.

افزایش دستمزد، با توجه به تورم عنان گسیخته و افزایش سرسام ور قیمت‌ها در سال ۹۳، یک خواست عمومی کارگران در سرتاسر ایران برای تامین هزینه های یک زندگی انسانی است.

فشار آوردن بر رژیم اسلامی ایران.
زنده باد کمپین جهانی نجات
ریحانه جباری
زنده باد جنبش علیه اعدام
کمپین نجات ریحانه جباری
۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ برابر با ۵
تیرماه ۱۳۹۳

دولتهای اروپایی و کانادا و ... را ملاقات کنیم، باید در ایران بهر طریق ممکن، شعار نویسی، نامه اعتراضی نوشتن، امضا جمع کردن در محلات، سازمان دادن کنفرانس و نشست علیه حکم اعدام ریحانه جباری، نشان دهیم که میلیونها نفر سرنوشت ریحانه را تعقیب میکنند و خواهان آزادی او هستند. تنها با این فشارها میتوان پرونده را باز کرد و کاری کرد که ریحانه از در زندان بیرون بیاید. این امکان پذیر است اما نه با سکوت و دعا خواندن و نه با پشت پا گرفتن و قهرمان بازی های پوشالی، به نیروی مردم، به نیروی اعتراضات جهانی و به نیروی

کلید نجات ریحانه در دستهای شما مردم است!

جهان!
اتفاقات اخیر در پرونده ریحانه در حقیقت یک تعرض حکومت اسلامی به این کمپین جهانی است. شانس خود را دارند امتحان میکنند. ریحانه را در داخل زندان آزار میدهند و خانواده سربندی مجدداً به میدان آمده و از آزردن خاطر شدن حرف میزنند، و انجمن امام علی نیز به میدان می آید و مجدداً از اقدامات ساکت کننده خود دفاع میکند.

راه رسیدن به نتیجه، راه نجات ریحانه از طناب دار، به وضوح یک راه سوم است! گسترش دادن به اعتراضات، به حرکت در آوردن موج اعتراضی در ایران و به خیابان رفتن در سراسر جهان!

کمپین نجات ریحانه جباری اعلام میکند که برای ما که تا کنون نازنین فاتحی و یا کبرا رحمانپور و افسانه نوروزی و سکینه محمدی آشتیانی و دهها نفر دیگر را از اعدام و یا سنگسار نجات داده ایم، موضوع بسیار ساده و روشن است. این یک نبرد سخت با حکومتی است که به هر تشبث و اقدامی دست میزند که از طناب های دار که ریسمان نجات خود حکومت است، دفاع کند.

در این میان باید به قلبهای بزرگ دنیا متوسل شد، باید نهادهای بین المللی از جمله سازمان ملل، اتحادیه اروپا و دولتهای اروپایی را وادار کرد اعتراض کنند.

این یک تندپیچ دیگر در کمپینی است که باید به قدرت و نیروی مردم حل شود. مردم آزاده ایران هزاران و هزاران نفری که طومار اعتراضی را امضا کرده اید!

یکبار دیگر باید به میدان بیایید، باید در دنیا میتینگها و تحصن ها و اعتراضاتی را سازمان دهیم، باید مقامات

خواندن دعوت میکند، احتیاجی نیست!
کمپین نجات ریحانه یکبار دیگر اعلام میکند:
راه نجات ریحانه فشار آوردن به حکومت اسلامی ایران است. اگر اکنون رسانه ها در مورد ریحانه می نویسند، فقط و فقط بدلیل اعتراضات جهانی است، اگر در مورد وکالت ریحانه عملاً جر و بحث راه می افتد، بدلیل اینست که وکالت ریحانه برای دست اندرکاران محبوبیت و حرمت بدنبال دارد. چون ریحانه چهره ای شناخته شده است، چون هنرمندان در مورد ریحانه حرف زده اند، چون هزاران نفر عضو صفحه هایی شده اند که در مورد ریحانه مینویسند، چون مردم می‌خواهند یک زن جوان بی گناه را از چوبه دار نجات دهند.

این یک نبرد با سیستم قضایی حکومت اسلامی، با احکام اعدام در ایران و با انسان کشی راحت و ساده ای است که این حکومت به آن مشغول است. برای ترساندن مردم و برای ایجاد وحشت و دوام و بقا نظامی که مردم آنرا قبول ندارند. اینرا باید همگان بدانند. با التماس و دعا خواندن و فوت کردن به اطرافمان به هیچ چیز دست نمی یابیم. باید با فشار جمعیت، با فشار افکار عمومی رژیم اسلامی را مجبور کنیم عقب نشینی کند.

اگر حکومت اسلامی زیر فشار میلیونی قرار بگیرد، خودش راههای عقب نشینی را پیدا میکند، توجیه و بهانه پیدا میکند و پرونده مجدداً بررسی میشود و بنظر ما با یک کمپین جهانی و فشار چند ماهه روی حکومت، داشت به اینجا میکشید.

اگر رژیم اسلامی عقب نشینی کند، خانواده سربندی را همین رژیم وادار میکند، رضایت بدهند، همه اینها منوط به ایفای نقش مردم است در ایران و در

خود باشید، از سوی حکومت اسلامی بسیار زیاد است. اما آیا این حق هر مادری نیست که فرزندش را از اعدام نجات دهد؟ آیا این حق مشروع یک خانواده نیست که عزیزترین فرد و فرزند دلنبدش را بهر طریق ممکن از مرگ نجات دهد؟

اگر ریحانه زنده است بدلیل آمدن مردم به میدان است!

مردم از ماجرا خبردار شدند، اصل واقعه را از زبان ریحانه و خانواده او و وکیل قبلی ریحانه مصطفایی شنیدند، کمپینی جهانی در دنیا اعلام شد، مردم دنیا به زبان انگلیسی داستان را خواندند، درد دل‌های ریحانه به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شد و اکنون میلیونها نفر این واقعه را از نزدیک و با قلبهایشان تعقیب میکنند. این و فقط این نقطه قدرت ما است!

ریحانه اکنون معروف و مشهور و محبوب است!

این تنها نقطه قدرت او و تنها راه نجاتش هست!
اگر ریحانه هنوز زنده است، بدلیل اینست که مردم پای خود را لای در گذاشته و نمیگذارند راحت ریحانه را بکشند.

در این کمپین طبعاً وکیل مجرب لازم هست، وکیلی که اعلام نکند که راهها بسته است و کرکره محل کارش را پایین بکشد و به امید "خدا" بنشیند.

در این کمپین در داخل ایران فعالینی و سازمان و نهادهایی لازم هستند که کمک کنند، در ایران همه مردم و بویژه زنانی که سرنوشت ریحانه را با گوشت و پوست خود لمس میکنند باید فعالانه تر دخالت کرده و کمک کنند ریحانه واقعا از سلول مرگ و از زندان رها شود. اینجا به انجمنی که معلوم نیست با کدام کارت بازی میکند و عملاً مردم را به سکون و سکوت و دعا

ادامه اعتصاب غذای رضا شهابی و تهدید او توسط مردانی رئیس زندان رجائی شهر

رضا شهابی در ۲۴ خرداد در نامه ای سرگشاده خطاب به دادستان تهران خواسته های خود را به شرح زیر اعلام کرده است:

۱- بازگشت به محل قبلی زندان اوین بند ۳۵۰

۲- مرخصی استعلاجی جهت درمان و عمل جراحی دیسک کمر (به دور از استرس و بگیری و ببند و حضور مأموران زندان که باعث ایجاد رعب و وحشت و مزاحمت و ناراضی به مراجعه کنندگان و کادر بیمارستانی و تیم پزشکی از جمله پزشک و پرستار و غیره)

۳- اجرای ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی (قانون تجمیع)

۴- اجرای قانون آزادی مشروط.

در این مدت رضا شهابی چهار نامه رسمی برای مسئولین زندان و و مسئولین قضایی از جمله جعفری دولت آبادی و مردانی نوشته است، اما هیچ پاسخی نگرفته است.

صفحه ۱۳

که ۲۵ روز است من اینجا زندانی هستم از مواردی رنج بردم که تمامی زندانیان گرفتارش هستند و مربوط به شخص من نیست، مانند نداشتن تلفن، مرخصی، ملاقات حضوری، مشکلات بهداشتی و اینکه من باید مداوای بیماری خود را ادامه بدهم که در مورد این موضوع هیچ اقدامی نمی کنید و دهها مورد دیگر". امیریان نیز پاسخ میدهد که نامه ها و گزارشات وی را ارسال کرده و قرار است به زودی دادستان به آنجا بیاید.

در اطلاعیه آمده است: رضا شهابی در زندان زیر فشار در اعتراض به وضعیت خود و زندانیان هم بندش در اعتصاب غذا بسر میبرد. او در اعتراض به اینکه وی را به جای انقال به بیمارستان برای عمل جراحی کمرش به زندان رجایی شده انتقال داده اند، از تاریخ دهم خرداد در اعتصاب غذا بسر میبرد. داور رضوی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد در مورد رضا شهابی میگوید: "نه فقط به نیازهای سلامتی رضا شهابی در زندان توجهی نشده بلکه اینک یک ماه است که او را همراه شش زندانی سیاسی دیگر از بند ۳۵۰ زندان اوین به زندان رجائی شهر تبعید کرده اند."

اطلاعیه ۱۹۷ کمپین برای آزادی کارگران زندانی منتشر شد. موضوع این اطلاعیه "ادامه اعتصاب غذای رضا شهابی و تهدید او توسط مردانی رئیس زندان رجائی شهر" است.

در این اطلاعیه آمده است که روز ۴ تیر رضا شهابی از رهبران شناخته شده کارگری به دفتر زندان رجائی شهر احضار شد. مردانی رئیس زندان از پرسید: از جان ما چه می خواهی؟

رضا شهابی در پاسخ به اینکه بدون حکم جدید، بدون تفهیم اتهام جدید، بدون برگزار دادگاه جدید و بدون اتهام جدید او را از یک زندان به زندان دیگر تبعید کرده اند، و به عملکرد ضد انسانی و ضد بشری مقامات زندان اعتراض می کند.

رئیس زندان به رضا شهابی می گوید که گزارش در مورد او را به دادستانی ارسال کرده و قرار است که بیایند و تصمیم بگیرند. و او را تهدید می کند که اگر به اعتصاب غذای خود ادامه بده او را به انفرادی فرستاده و رویش آب می بندد.

رضا شهابی در پاسخ به مردانی و همچنین امیریان معاون زندان خواستار رعایت حقوق خود بعنوان یک زندانی می شود و میگوید: "تا امروز



ادامه اعتصاب غذای رضا شهابی و تهدید او توسط مردانی رئیس زندان رجائی شهر

بپیوندم و در سطح جهانی صدای اعتراض او باشیم.

۲۰ ژوئن، ۳۰ خرداد روز حمایت از زندانیان سیاسی بود. از جمله در عکس های اعتراضات این روز عکس رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و کارگران زندانی به چشم میخورد. همچنین در جریان فستیوال پناهجویان و مهاجرین در توکیو در منطقه ناکانو در ۲۲ خرداد جمال صابری از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی با بردن عکس این کارگران و نشریه ای که بخشی از آن مربوط به زندانیان در بند بود، صدای اعتراض این کارگران را نمایندگی کرد. در یکی از عکس های این تجمع رئیس اتحادیه آزاد کارگران ژاپن و تعدادی از اعضای این اتحادیه و نیز آما میا کارین نویسنده جوان و سرشناس ژاپن با گرفتن عکس کارگران زندانی در دست حمایت خود را از این کارگران و از زندانیان سیاسی در ایران اعلام داشتند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ادامه دارد. رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ

وضعیت جسمانی رضا شهابی نگران کننده است و در این مدت دچار کاهش وزن شدید و نوسان فشار خون شده است. این درحالیست که او همچنان از درد کمر رنج میبرد. در رابطه با وضعیت رضا شهابی در ۲۱ خرداد تعدادی از همبندان وی در زندان رجایی شهر، به اسامی محمد امیرخیزی، افشین حیرتیان، حشمت الله طبرزدی، شاهرخ زمانی، خالد حردانی، پیروز منصوری، سعید ماسوری و صالح کهنند طی نامه ای خطاب به شخصیت ها و نهاد های کارگری و آزادیخواه در سراسر جهان شده اند که برای رسیدگی به خواسته های برحق رضا شهابی و در حمایت از وی جمهوری اسلامی را زیر فشار اعتراض خود قرار دهند.

هم اکنون کارزاری در حمایت از رضا شهابی در جریان است. در زندان و خارج از زندان اعتراضات بسیاری در حمایت از او و خواسته هایش که در واقع خواسته های همه زندانیان سیاسی در بند است، به پا شده است. وسیعاً به این اعتراضات



زمانی، محمد جراحی، محمد مولانایی، یوسف آب خرابات، واحد سیده، محمد محمدی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

عکس هایی از ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و نیز عکسی از ژاپن

پرستاران تهران باز هم دست به تجمع اعتراضی زدند



میتوانند از خواست های پرستاران دفاع کنند.
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۹۳

کشور را به حمایت از پرستاران فرامیخواند. حزب مردم تهران و همه مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که به هر شکل

خواهان افزایش دستمزد و سایر مطالبات خود شدند.

پرستاران از تاریخ ۱۸ خرداد تا ۶ تیر را روزهای اعتراض اعلام کرده بودند و این دومین تجمع اعتراضی پرستاران در طول هفته گذشته بوده است.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض پرستاران و خواست های آنها قاطعانه حمایت میکند و کلیه پرسنل بیمارستان ها در سراسر

تحقق قانون ارتقاء بهره وری، تفاوت کارانه پزشکان با پرستاران و عدم پرداخت حق کارشناسی پرستاران اعتراض دارند. طبق این گزارشات عدم احترام و حفظ شان پرستاران، پزشکان و پیراپزشکان از دلایل دیگر تجمع کنندگان است.

لازم به یادآوری است که روز اول تیرماه نیز بیش از ۳۰۰ نفر از پرستاران بیمارستان امام خمینی دست به تجمع اعتراضی زدند و

طبق گزارشات منتشر شده حدود ۵۰ نفر از پرستاران تهران به نمایندگی از طرف پرستاران سایر بیمارستان های تهران روز چهارم تیرماه در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. پرستاران به عدم اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که ۷ سال قبل توسط مجلس تصویب شده، اضافه کاری اجباری، عدم

به جنگ و حاکمیت فرقه های اسلامی در عراق باید پایان داد

نقش اساسی در شکل دهی به این وضعیت فاجعه بار در عراق داشته اند. مردم دنیا باید با پرچم قطع دخالت این دولت ها در اوضاع عراق و قطع فوری جنگ و پایان دادن به حاکمیت جریان های قومی-مذهبی و دفاع از یک حکومت سکولار به حمایت از مردم ستمدیده عراق برخیزند. این گام موثری در جهت رهایی مردم عراق از وضعیت فاجعه بار جاری است.

حزب کمونیست کارگری شکل دهی به این حرکت را یک وظیفه مبرم خود در شرایط حاضر میداند و همه احزاب و نیروهای چپ و سکولار را به مبارزه در این راه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ تیر ۱۳۹۳، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴

راه حل در دست توده مردم عراق و مردم آزادیخواه جهان است. فقط با اعمال اراده نیروی متحد و سازمانیافته مردم و حمایت جنبش آزادیخواهی بین المللی میتوان به خلاصی جامعه از شر این وحوش امید بست. باید توده مردم عراق در برابر جریان های مذهبی و قومی و در برابر کل ارتجاع داخلی و بین المللی نمایندگی شوند. پیش شرط تحقق این امر بمیدان آمدن نیروهای کمونیست و سکولار و آزادیخواه در جامعه عراق با پرچم یک دولت غیر قومی غیر مذهبی و یک جامعه مدرن و انسانی است.

یک رکن دیگر رهایی مردم عراق از شر داعش و بعثی های از قدرت افتاده و دولت قومی-مذهبی مالکی، به میدان آمدن مردم آزاده و انسان دوست جهان علیه سیاست های ارتجاعی و ضد انسانی دولت های عربستان و ایران و آمریکا و هم پیمانان آنها است که

داشت که مقابله دولتهای ارتجاعی ای نظیر حکومت اسلامی ایران و مالکی و آمریکا و متحدینشان با نیروهای ضد انسانی داعش و بعثی ها و دستجات قومی-عشیره ای و حامیان منطقه ای شان، تنها میتواند ابعاد فاجعه را گسترش داده و به کشورهای دیگری نیز سرایت بدهد.

تنها راه رهایی مردم از جهنمی که این نیروها برپا کرده اند جابرو کردن ارتجاع درنده خوی اسلامی از حیات سیاسی و اجتماعی عراق و کل خاورمیانه است. مردم عراق مانند مردم کل منطقه خواهان حکومت و جامعه ای بری از تبعیضات و نفرت پراکنی ها و تخاضمات قومی و مذهبی هستند. انقلابات موسوم به بهار عرب این واقعیت را به روشنی در برابر انتظار جهانیان قرار داد. باید جهانیان بدانند که راه برون رفت از شرایط فاجعه بار کنونی نه مانورهای دیپلماتیک و سیاسی و نظامی آمریکا و دولتهای منطقه نظیر عربستان و جمهوری اسلامی است و نه دست بالا پیدا کردن این یا آن فرقه مذهبی و عشیرتی و سر هم بندی کردن دولت دیگری از سران این دستجات. همه این دولتها و دار و دسته ها به کمپ ارتجاع و توحش و در مقابل مردم و خواسته های انسانی آنان قرار دارند.

تباهی کشاندند. داعش یکی از هارترین و وحشی ترین این نیروها است.

جنگ بین دولت مالکی و داعش جنگی نه در قالب کشمکش بین اسلام سیاسی و آمریکا و غرب، بلکه در چارچوب رقابتهای دولتها و نیروهای منطقه ای و مشخصا جمهوری اسلامی و عربستان بر متن شکست نظم نوین آمریکائی قرار دارد. جمهوری اسلامی خود در ایجاد شرایط فاجعه بار حاضر در عراق مستقیما نقش داشته است و امروز هم به عنوان یکی از نیروهای سیاه مذهبی یک پای این سناریو خونین و سیاه علیه مردم عراق و منطقه است. این نیروها و دولتهای ارتجاعی منطقه خود همانند دولت آمریکا و متحدینش جزئی از صورت مساله بحران عراق به شمار میروند. در شرایط حاضر جمهوری اسلامی تلاش میکند در برابر داعش و بعنوان یکی از نیروهای موثر در حل بحران عراق ظاهر بشود. اما واقعیت کاملا برعکس است. یک عامل مستقیم بحران و شرایط فاجعه بار کنونی در عراق، سیاستها و دخالتگریهای مداوم جمهوری اسلامی در اوضاع عراق در دوره بعد از صدام بوده است و امروز هم جمهوری اسلامی همین نقش را ایفا میکند. تردیدی نباید

تصرف بخشهای زیادی از کشور عراق بوسیله جریان تروریستی داعش، کشتار وحشیانه و بیرحمانه هزاران انسان بیگناه از زن و مرد و کودک و خانه خرابی و آوارگی صدها هزار نفر از مردم این کشور را به دنبال داشته است. شکل گیری و گسترش یک جنگ کثیف و وحشیانه در میان جریان های اسلامی سنی و شیعه جامعه عراق را در آستانه فروپاشی کامل قرار داده است.

این جنگ بر متن و در ادامه ده سال کشمکش فرقه های قومی و مذهبی در یک جامعه در هم ریخته صورت میگیرد. زمینه های سیاسی و اجتماعی این توحش را لشکرکشی آمریکا و متحدینش به عراق در سال ۲۰۰۳ فراهم آورده است. این تهاجم نظامی که خود جزئی از استراتژی تامین هژمونی دولت آمریکا بر جهان بعد از جنگ سرد (دکترین نظم نوین جهانی) بود، تعادل و تناسب قوای سنتی در خاورمیانه را به هم ریخت و میدان را برای ابراز وجود و عرض اندام نیروهای رنگارنگ مذهبی و قومی و عشیرتی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه فراهم آورد. این نیروها نه تنها در عراق بلکه در افغانستان و پاکستان و سوریه و بخشا در فلسطین میداندار شدند و زندگی توده های مردم را بیش از پیش به

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود